این پدرت هست و این مادرت؛ دست هریک را که می خواهی بگیر.

از ابومیمونه سلمی که برده ی آزاد شده ای از اهل مدینه و مردی راستگو بود روایت است که می گوید: باری همراه ابوهریره نشسته بودم که زنی فارسی به همراه پسرش نزد او آمد که شوهرش او را طلاق داده بود و هر دو ادعای حضانت فرزندشان را داشتند؛ این زن به فارسی گفت: ای ابوهریره، شوهرم می خواهد پسرم را با خود ببرد؛ بنابراین ابوهریره گفت: تو و پدرش در مورد او قرعه بیندازید. این بود که شوهرش آمده و گفت: چه کسی با من در مورد فرزندم اختلاف و نزاع دارد؟ ابوهریره گفت: من این را از خود نگفتم بلکه زنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و من نزد ایشان نشسته بودم؛ آن زن گفت: ای رسول خدا، شوهرم می خواهد پسرم را با خود ببرد؛ حال آنکه پسرم برایم از چاه ابی عنبه آب می آورد و برای من مفید است. لذا رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد فرزندشان قرعه انداخت. و شوهر آن زن گفت: چه کسی با من در مورد فرزندم اختلاف و نزاع دارد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هَذَا أَبُوكَ، وَهَذِهِ أُمُّكَ فَخُذْ بِيَدِ أَيِّهِمَا شِئْتَ»: «این پدرت هست و این مادرت؛ دست هریک را که می خواهی بگیر». پس دست مادرش را گرفت و با او رفت.

[صحیح است] [به روایت ابن ماجه - به روایت ترمذی - به روایت نسائی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد]

این حدیث بیانگر وجوب تحقق بخشیدن به مصالح کودک می باشد؛ چنانکه این زن را شوهرش طلاق داده و کودکش نزد وی باقی مانده است؛ و گویا مانعی ایجاد شده که از استمرار بقای کودک در حضانت مادر با وجود نیاز مادر به وی، باز داشته است. حال آنکه کودک هم به حفظ و نگهداری مادر و رعایت امور و مصالح وی نیاز دارد و این موارد از توان پدر خارج است؛ در این شرایط، ابوهریره از شنیدن قضاوت رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد مشابهی خبر می دهد. حضانت، ولایت و سرپرستی است که مقصود از آن تربیت کودک و پرداختن به مصالح وی می باشد. کودک قبل از سن تمییز نزد مادرش می ماند، مادامی که مادر ازدواج نکند؛ اما وقتی به سن تمییز رسید و در برخی از امور خود مستقل شد و از پسِ بسیاری از کارهای خود بر می آمد، در این هنگام حق مادر و پدر در مورد حضانت او یکسان است و بین بودن با پدر و مادرش مختار می شود و با هریک از آنها همراه شود، حضانت وی با او می باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/58190